نکته های نابِ کتابِ "طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن" - قسمت 12

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا

هجرت کردن یعنی چه؟ یعنی از مشهد رفتند تهران مثلا ماندند؟ هجرت کردن به معنای یکباره از همه چیز دست شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی،به خاطر قبول تعهد در مجموعه تشکیلات جامعه اسلامی محسوب می شود.

از مکه که بلند میشدی شما بیرون می آمدی،مغازه پر متاع و پرکلای مشتری جمع کنِ آبرو آفرینت،دیگر در مکه برای تو وجود نداشت.به سود چپاول گران خون خواره متجاوز مکه،ضبط میشد و اموالتان به تاراج می رفت.

اگر از مکه تنها آمده بودی و خانُمت مسلمان نشده بود،دیگر خاطرات زناشویی گذشته را، باید همه را بر باد حساب می کردی،تمام شد،باید دل می کندی؛ اگر از مکه می آمدید مدینه،پدرتان یا پسرتان در آنجا مانده بود،عزیزترینِ عزیزانتان به صورت دشمن خونین شما در آمده بود.

هجرت یعنی این،آن کسانی که هجرت می کردند،همه این محرومیت ها و ناکامی ها را به جان می پذیرفتند.

از سوی دیگر،هجرت یعنی برای بنای کاخ عظیمِ جامعه اسلامی،یک خشت بردن. جامعه اسلامی که در مدینه به وجود آمده بود،محتاج بود به عناصر مومن،فعال،پرتلاش،پرتوان،سابقه دار،اسلام فهم،مُحِب و معتقد به این راه،با دلی سرشار از ایمان.آن کسی که هجرت می کرد از مکه،از انس و محبت و خاطره و راحتی و عیش و نوش می گذشت،می آمد به مدینه.این آدم در حقیقت یک گامِ بزرگی برداشته بود در راه بنای آن چنان جامعه ای،به سهم خودش،به قدر خودش،لذا قیمت داشت،تعیین کننده بود.

اینجا را دقت کنید: "وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا" آن کسانی که ایمان آوردند،باور قلبی هم هست،اما از خانه ملکی مشجرِ راحت،دل نکندند و هجرت ننمودند،ایمان آوردند اما به این تعهد ایمانی عمل نکردند،اینها چطورند؟

اینها را می فرماید که "مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا" اینها به شما پیوسته نیستند،جزءِ شما نیستند،میان شما و آنها ولایت و به هم پیوستگی نیست،تا کِی؟ " " تا وقتی که به تعهد ایمانی عمل کنند.ایمان خشک و خالی در دنیا هم اثر نمی دهد برادر،در جامعه اسلامی هم منشا اثر قرار نمی گیرد،در آخرت که جای خود دارد.